

وقتی خانه‌ها بوی نفت می‌داد

قصه شیرین یک‌نوشابه بعد از ظهر



■ شغل: نون خشکی / نمکی
■ ویژگی: معاوضه نان خشک با نمک

روزگاری کوچه‌پسکوچه‌های تهران پر بود از صدای مردانی که هر کدام شغل و پیشه خود را فریاد می‌زدند و برای کسب روزی حلال، مشتری جذب می‌کردند. نون خشکی‌ها که به نمکی هم معروف بودند در میان خاطرات بچه‌های تهران قدیم جایگاهی ویژه داشتند با تصویر چرخ‌دستی‌های بزرگ و کوچک و گاه‌گاهی‌هایی که از هر طرفش وسیله‌ای آویزان بود.

حسن حصارکی، از اهالی قدیمی محله حصارک، می‌گوید: «یادم می‌آید بیشتر بچه‌های محله از نمکی‌ها می‌ترسیدند. چون این جمله که «اگر فلان کار را کنی یا نکنی، می‌دمت نمکی بیره» ورد زبان بیشتر مادرها بود. نمکی‌ها هم که بیشتر سر و وضعی ژولیده داشتند بیشتر برای ما ترسناک بودند. البته بزرگ‌تر که شدیم فهمیدیم اینها همه‌اش ترفند بوده است و با جمع کردن نان خشک بیشتر، می‌توانیم از نمکی‌ها پول هم بگیریم و برای خودمان کیک و نوشابه بخریم.»

شغل نمکی اگر چه شغلی رسمی نبود و مهارت خاصی لازم نداشت، اما جایگاه خودش را میان تهرانی‌ها باز کرده بود. فتاح رمضانعلی، پژوهشگر حوزه کسب‌وکار در این‌باره می‌گوید: «کیفیت پایین نان در روزگار قدیم باعث شده بود نان زودتر خراب شود. برای همین خرده‌نان و نان‌بیات در خانه‌ها زیاد بود. نون خشکی‌ها در محله‌ها می‌گشتند و به‌ازای دریافت نان خشک، نمک تحویل می‌دادند. البته در چرخ‌دستی‌شان علاوه بر نمک، انواع مختلف سبب و لگن پلاستیکی هم بود که مردم به دلخواه می‌توانستند به‌جای نان خشکی که تحویل می‌دادند آنها را انتخاب کنند. اگر وزن نان خشک‌ها بیشتر بود خریدار نان خشک، پول هم پرداخت می‌کرد. نون خشکی یا همان خریدار دوره‌گرد نان، این نان‌ها را در جایی دیو می‌کرد و بعد آنها را به دامداری‌ها می‌فروخت. البته نان نباید کپک‌زده یا خراب می‌بود.»

به‌گفته رمضانعلی، شغل نون خشکی (یا به‌اصطلاح عموم مردم: نمکی) با بالا رفتن کیفیت نان و کم‌شدن دورریز آن کم‌کم از رونق افتاد. از طرفی صدا و فریاد دوره‌گردها در خیابان چندان برای شهرنشینان امروزی خوشایند نبود. برای همین این شغل از بین رفت. البته به‌جای آن زباله‌گردها پدیدار شدند که در میان زباله‌ها سرک می‌کشند تا زباله خشک و پلاستیک پیدا کنند و بفروشند و پادمان نرود که متأسفانه بسیاری از مردم اضافه‌نان را هم در سطل زباله می‌اندازند؛ رفتاری که در گذشته بسیار ناپسند بود. گویا مردمان قدیم حرمت نان را بیشتر نگاه می‌داشتند.



■ شغل: نفت‌فروشی سیار و ثابت
■ ویژگی: تأمین سوخت برای وسایل گرمایشی خانه

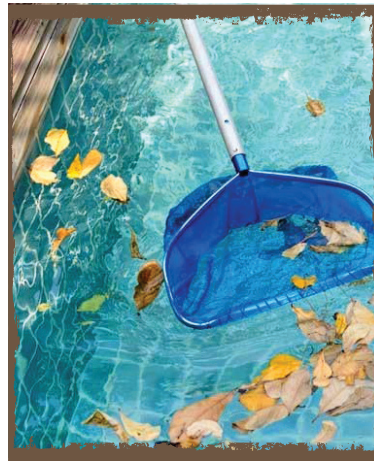
نفت کل خانه را پر می‌کرد. علاوه بر بخاری بیشتر آبگرمکن‌ها هم با نفت روشن می‌شدند. به همین دلیل نفت پرکاربرد بود و مردم به‌دو طریق نفت مورد نیازشان را تهیه می‌کردند. شیوه اول خرید از نفت‌فروشان دوره‌گردی بود که با گاری‌های دستی و پیت‌های حلبی پر، راهی کوچه‌ها می‌شدند و فریاد می‌زدند: «نفت... نفتی اومده...». اهل خانه هم سریع پیت به‌دست خودشان را به نفت‌فروش دوره‌گرد می‌رساندند و متناسب با نیازشان نفت می‌خریدند. روش دوم هم خرید از نفت‌فروشی‌های ثابت در هر محله بود. این مغازه‌ها به نسبت سایر اصناف در زمستان شلوغ‌تر بود و صف‌های طولانی جلوی آنها تشکیل می‌شد؛ چیزی که امروزه بعید به نظر می‌رسد.»

نفت می‌رسند و این شروع ماجرای نفت در ایران و به‌دنبال آن، بازشدن پای نفت به تهران است. احتمالاً بشود گفت ما حالا آخرین نسلی هستیم که پیت‌های نفت ۱۰ لیتری و ۲۰ لیتری را گوشه انباری‌ها یا حیاط‌های قدیمی دیده‌ایم و چیزی از مغازه نفت‌فروشی و نفت‌فروش دوره‌گرد را در خاطر داریم. اردشیر آل‌عوض، محقق فرهنگ عامه در این‌باره می‌گوید: «نباید فراموش کرد که یکی از مشاغل مهم و منسوخ‌شده تهران قدیم نفت‌فروشی بود. تا همین چند دهه پیش که خبری از لوله‌کشی گاز نبود گوشه هر خانه‌ای زمستان‌ها یک بخاری نفتی جا خوش کرده بود که با احتیاط نفت را با پیت داخل آن می‌ریختند و با پیداشدن شعله آتش، بوی

قصه نفت در ایران از آنجا شروع شد که انگلیسی‌ها به‌دنبال رویای پیدا کردن نفت در دوره مظفرالدین‌شاه راهی خاورمیانه و ایران شدند. می‌شود اینطور گفت که ویلیام ناکس دارسی، تاجر انگلیسی، برای کشف این طلای سیاه از جورج برنارد رینولدز که تجربیاتی در زمینه حفاری نفت در مناطق نفت‌خیز سوماترا داشت، کمک گرفت و مقدمات حفاری در منطقه نفتون مسجدسلیمان را فراهم کرد.

چند سالی این گروه برای کشف نفت وقت گذاشتند اما بی‌نتیجه بود تا اینکه وقتی با ناامیدی داشتند بساط اکتشافاتشان را جمع می‌کردند، می‌زند و به

شغلی برای مهاجران بی‌بضاعت



خالی می‌کرد، دیگری لجن‌های کف حوض را تمیز و نفر سوم، زباله‌ها را از خانه بیرون می‌برد. حدادی، ادامه می‌دهد: «در باره آب‌حوض‌کش‌های تهران ضرب‌المثلی وجود دارد. این شغل از مشاغلی بود که با آب ارتباط داشت و نظافت حوض‌ها و آب‌انبار‌ها را با مهارت انجام می‌دادند، اما از آنجا که اغلب آب‌حوض‌ها ژولیده و کثیف بودند، در میان عموم مردم چندان مورد احترام قرار نمی‌گرفتند. از طرفی، چون حوض‌ها در فصل زمستان یخ می‌بستند و یا با زباله و برگ پر می‌شدند، اگر شیء گرانبه‌ای مثل انگشتر و... صاحبخانه در آن می‌افتاد نمی‌توانست آن را پیدا کند و در نتیجه چشم‌امید داشت تا زمان تخلیه آب حوض، شیء مورد نظر توسط آب‌حوضی پیدا شود. آب‌حوضی‌ها هم پاچه‌های شلوار را بالا می‌دادند و پارا در آب حوض فرو می‌بردند و به آرامی راه می‌رفتند تا اگر شیئی به پایشان خورد متوجه شوند، اما متأسفانه برخی اشیای گرانبه‌ای پیدا شده را تحویل نمی‌دادند. از این‌رو اگر فردی چندان اعمال درستی نداشت و روراست نبود به او «پاچه‌ورمالیده» می‌گفتند که حکایت از همان پاچه‌های بالا‌زده آب‌حوضی‌ها در آب کثیف حوض را دارد.»



■ شغل: آب‌حوضی
■ ویژگی: نظافت حوض‌های خانگی

«آب‌حوضی علاوه بر اینکه حوض‌ها را تمیز می‌کرد، وظیفه نظافت آب‌انبار خانه‌ها را هم برعهده داشت. این شغل بیشتر به‌صورت دوره‌گردی بود؛ یعنی آب‌حوضی‌ها جای ثابتی نداشتند. در کوچه و خیابان‌های محله‌های تهران پیاده قدم می‌زدند و فریاد می‌کشیدند: آب حوض می‌کشیم، «آب‌حوض‌وییییی» برخی از آنها البته فرش هم می‌شستند. بیشتر این کارگران جزو مهاجرانی بودند که از شهرهای دیگر به تهران می‌آمدند و وضع مالی خوبی نداشتند. به پیت‌های فلزی دسته‌های آهنی می‌چسباندند تا بتوانند به راحتی آب حوض را خالی کنند. اغلب آنها به‌صورت گروهی کار می‌کردند. مثلاً یکی آب حوض را

«آب‌حوضیه، آب حوضی / آب حوضی / آب حوضی کار نکرده / آب حوضیه، آب حوضی / آب حوضی نون نخورده...» این آواز برای بسیاری از تهرانی‌های قدیم خاطره‌انگیز است و روزگاری را به ذهن می‌آورد که هنوز حیاط‌های خانه‌ها حوض داشت و رنگ‌فیروزه‌های آن چشم‌ها را نوازش می‌داد. زیبایی حوض‌های وسط حیاط هر سال با آمدن بهار چندان می‌شد و صاحب‌خانه دور تا دورش را با گلدان‌های سفالی و گل‌های شمعدانی چشم‌نواز می‌کرد. در آن روزها برای همین حوض‌های فیروزه‌ای، شغلی وجود داشت که به آب‌حوضی معروف بود. آب‌حوض‌کش وظیفه داشت تا آب حوض را خالی و دیواره حوض را تمیز کند. هر سال با پایان فصل زمستان و نزدیک شدن به بهار این شغل رونق بیشتری پیدا می‌کرد. چون فصل زمستان آب حوض حیاط‌خانه از سرما یخ می‌بست یا با برگ‌های خشک‌شده پر می‌شد، نظافت حوض‌ها یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظافت‌خانه به‌حساب می‌آمد.

نصرالله حدادی، تهران‌شناس در این‌باره می‌گوید:

